

به نام خدا

نامه سرگشاده به ملت ایران

درباره انتخابات سومین مجلس خبرگان

مردم آزاده و شریف ایران

همان گونه که آگاهی یافته‌اید، انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری در آبان ماه سال جاری برگزار خواهد شد. در گذشته نه چندان دور یعنی سال ۱۳۶۸ شاهد آن بودیم که گروهی معدود به نام «شورای بازنگری قانون اساسی»، بدون آن که از سوی ملت برگزیده شده باشند، در پشت درهای بسته تغییراتی در برخی از اصول قانون اساسی مصوب آذرماه ۱۳۵۸- از جمله در اصل پنجم- پدید آوردند. گرچه نیاز به اصلاح قانون اساسی اولیه در راستای رفع کاستی‌ها، نارساییها و ابهامات آن از همان آغاز از سوی برخی از احزاب، گروهها و شخصیت‌ها مطرح بود، مجمعی که از جانب ملت نمایندگی نداشت و نه در راستای حل مشکلات جامعه و مشارکت واقعی مردم در اتخاذ تصمیمات حیاتی مربوط به خویش، بلکه در جهت قانونی جلوه دادن رفتارها و اختیارات فراقانونی و نیز حل مشکلات بنیادین حاکمیت در خلأ ناشی از فقدان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، قانون اساسی را دگگون کرد. در این تغییر و تبدیل، دامنه اختیارات رهبری بسیار گسترش یافت و صفت «مطلقه» نیز به «ولایت فقیه» افزوده گردید.

گستره اختیارات رهبری در قانون اساسی از یک سو و سلطه تفسیر خاصه نظری و عملی از واژه ولایت از سوی دیگر، در کنار سایر رخدادهای یک دهه اخیر، حاکمیت ملت و «جمهوریت» نظام را با تناقض و تزلزل بنیادین مواجه ساخت؛ آنچنان که گویی انقلابی برای واژگون کردن نظام استبدادی و استقرار آزادی و عدالت و حاکمیت ملت رخ نداده است. از آنجا که مجموعه اهرمهای قدرت منحصرأ در اختیار نیروهای «خودی» و «درون حاکمیت» قرار داشت و جریانهای بیرون از حاکمیت از امکانات مناسب ارتباطی و توضیحی محروم بودند، امکان ابراز اعتراض جدی و گسترده از سوی نیروهای معتقد به حاکمیت ملت وجود نداشت، کما این که در پی انتشار نامه‌ای از سوی نود و چند نفر از شخصیت‌های ملی- مذهبی در سال ۶۹ به رئیس جمهور وقت- که در آن بر اجرای مفاد قانون اساسی تأکید شده بود- بیست و شش نفر از امضاکنندگان نامه دستگیر و ماهها در شرایطی وحشتناک زندانی شدند. ولی در نقطه عطف دوم خرداد ۷۶ با استفاده از زمینه سیاسی انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، حرکتی سراسری و فراگیر در اعتراض به وضع موجود و در حمایت از حقوق و آزادیهای اساسی ملت و حاکمیت قانون و توسعه روابط و مناسبات مدنی انجام گرفت؛ هرچند که این حرکت غیرقابل پیش‌بینی و بدون رهبری مشخص و سازمان‌یافته‌ای بود. در این سرفصل، از آنجا که شعارها و وعده‌های انتخاباتی و سپس برنامه کار رئیس جمهور منتخب مردم بر محورهایی چون استقرار حکومت قانون، تحقق جامعه مدنی و توسعه سیاسی تأکید و تصریح می‌کرد، صف‌آرایی و تقابل مجموعه نیروهای معتقد به رکن جمهوریت نظام و

نیروهای معتقد به حکومت متمرکز سنتی و مخالف حاکمیت ملت شکل آشکارتری گرفت و شفافتر شد. اینک در پرتو دستاوردهای گرانقدر دوم خرداد- که هنوز نهادینه نشده و با یورشهای جدی از سوی نیروهای تمامت‌خواه مواجه است- چگونگی برخورد با انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری از اهمیتی بیش از گذشته برخوردار است. به بیان دیگر، در عصر احیای مجدد حاکمیت ملت، هر تحول احتمالی در شکل و محتوای رهبری سزاوار عنایت و اهمیت بیشتری می‌باشد.

در شرایط کنونی، گرچه برخی از نیروها انتخابات خبرگان را یک بازی کاملاً «درون حاکمیتی» می‌دانند و به رغم آن که دو جناح اصلی درون حاکمیت در قایل شدن «حق ویژه» برای روحانیت اشتراک جدی و ماهوی داشته و هر دو نیز «فقیه‌سالاری» را نشانه و معادل «اسلامیت» نظام تلقی می‌کنند، در صورتی که چگونگی برگزاری انتخابات و آرایش و گرایش‌های نمایندگان راه یافته به مجلس خبرگان رهبری به گونه‌ای موجد و نشانگر صف‌بندی میان معتقدان و مخالفان حاکمیت ملت باشد و در برخورد با مسأله اختیارات رهبری به انکسار قدرت به سود تقویت رکن جمهوریت نظام یاری رساند، مواجهه با آن محل تعمق محاسبه‌گرانه‌ای خواهد بود.

مردم آزاده!

در شرایط کنونی، جناح تمامت‌خواه انحصارگر عملاً در برابر جنبش جامعه مدنی و فرایند توسعه سیاسی قد برافراشته و کمر همت بسته است و چنین تبلیغ می‌کند که رهبری از مقوله «ولایت» است و نه وکالت و انتخاب؛ و از آنجا که رسول خدا(ص)، امامان معصوم(ع) و ولی فقیه (به عنوان نایب امام زمان) منصوب از سوی خداوند هستند، رهبر تنها در برابر خدا مسؤول می‌باشد و وظیفه خبرگان نیز این است که فقیه منصوب از سوی خداوند یا امام زمان (عج) را کشف کنند، نه آن که او را به وکالت از سوی مردم انتخاب نمایند.

از این دیدگاه، تمرکز قدرت در دست یک مقام فوق قانون و بدون وجود هر گونه نظارت فراگیر و قانونمند زنده کردن یک آرمان تاریخی است، ولی در بطن خود خواسته‌ها و آرمانهای انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و جنبش مدنی کنونی را محو می‌کند. صاحبان این تفکر، همچنان که در انتخابات ریاست جمهوری نیز گرایشهای خود را آشکار کردند، از این ظرفیت برخوردارند که با قلع و قمع نامزدهای غیرخودی، در یک مسابقه بدون رقیب پیروز شده و از طریق مجلس خبرگان رهبری دیدگاههای یاد شده را تثبیت کنند.

از سوی دیگر، با توجه به کوتاه آمدن جناح مقابل در مورد لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان و نیز با عنایت به اخبار سازشهای پشت پرده مبنی بر توافق نیروهای خودی درون حاکمیت بر روی تعدادی از نامزدهای آنان این احتمال وجود دارد که جناح رانده شده از مسندهای قدرت، پس از بازگشت به میدان و تکیه زدن بر «کرسی» خبرگان، حساسیت خود را درباره حاکمیت ملت و مبانی جمهوریت نظام از دست بدهد و بدین ترتیب، در این گزینه نیز تحول ویژه‌ای در راستای تحقق «قانون محوری»، مناسبات مدنی و توسعه سیاسی رخ ندهد.

اما جدا از تحولات سیاسی تا زمان برگزاری انتخابات خبرگان و فارغ از این که کدام یک از گزینه‌ها نهایتاً در دستور کار حاکمیت قرار خواهد گرفت، شرکت گسترده مردم در انتخابات خبرگان منوط به تحقق شرایط زیر می‌باشد:

۱- بر اساس اصل ۱۱۱ قانون اساسی، نظارت مستمر بر عملکرد رهبری از وظایف خبرگان محسوب

می‌شود. مجلس خبرگان دوم- که اینک روزهای پایانی خود را می‌گذراند- باید طی گزارشی عملکرد ۸ ساله و مشروح مذاکراتش را برای آگاهی عموم منتشر ساخته و روشن کند که آیا با برپایی یک جلسه در سال، امکان اعمال نظارت مستمر بر عملکرد رهبری وجود داشته است؟ در هفته‌های اخیر از وجود کمیسیونهایی در مجلس خبرگان خبر داده شده است؛ عنوان، شرح وظایف، عملکرد و دستاورد هر یک از کمیسیونها چه بوده است؟ از یکی از کمیسیونها به عنوان «کمیسیون فعال‌سازی خبرگان» نام برده شده است؛ جای این سؤال مهم وجود دارد که اگر خبرگان در چارچوب وظایف خود فعال بوده‌اند، چه نیازی به کمیسیون یاد شده بوده است؟ به هر روی، مردم باید بدانند که در دوره ۸ ساله مجلس فعلی خبرگان چه رخ داده و عملکرد این مجلس و مواضع هر یک از اعضای آن چه بوده است.

علاوه بر این، جامعه ایران که هم اینک با وجود همه موانع در مسیر قانونمند کردن مناسبات سیاسی- اجتماعی، مدنیت نوین و توسعه سیاسی گام می‌زند، با توجه به این که در مدیریت علمی، پرهیز از دوباره‌کاری یک اصل اساسی است و مدیریت کنونی جامعه ایران فاقد نظم و انسجام و تدبیر لازم و کافی می‌باشد (وجود سازمانها و نهادهای موازی متعدد شاخص گویای چنین امری است)، خواهان دگرگونی اساسی در مدیریت کلان کشور و پایان یافتن این بی‌نظمی و سوء تدبیرها می‌باشد. از سویی، چون بر اساس قانون موجود، رهبر از سوی خبرگان و خبرگان نیز از سوی مردم برگزیده می‌شوند و به عبارت دیگر، مردم با یک واسطه در انتخاب رهبر نقش دارند، رابطه رهبری و مردم نیز باید قانونمند شده و رهبر که وامدار مردم می‌باشد نیز مقید به ارائه گزارش به مردم گردد. اطلاع یافتن از بودجه نهاد رهبری، منابع درآمد و محل هزینه‌ها از جمله مواردی است که جزء حقوق اساسی مردم محسوب می‌گردد.

۲- در قانون اساسی بازنگری شده در سال ۶۸، اولاً شرط «مرجعیت» از مجموعه شرایط لازم برای احراز رهبری حذف شده و ثانیاً شرط اعلامیت در مسایل سیاسی و اجتماعی جایگزین اعلامیت فقهی شده است. بنابراین، شرایط اعضای مجلس خبرگان رهبری نیز می‌باید متناسباً تغییر یابد و افرادی که قدرت تشخیص ویژگی‌های سیاسی- اجتماعی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای رهبری را داشته باشند در این مجموعه حضور یابند.

اگر از واژه «خبره» آگاهی داشتن از حقیقت و کنه موضوعات را استنباط کنیم، این واژه منحصر به روحانی و معمم نخواهد بود و مجموعه کارشناسان مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز دربر خواهد گرفت. بنابراین، به طور طبیعی انحصار روحانیت در مجلس خبرگان باید برداشته شود.

۳- نخستین مجلس خبرگان، برخلاف قانون اساسی، وظیفه تهیه و تصویب قانون برگزاری انتخابات خبرگان رهبری را به شورای نگهبان واگذار کرد. در پی آن، حق نظارت استصوابی شورای نگهبان را در مقام گزینش‌کننده خطی و جناحی نامزدها قرار داد. این امر منجر به ایجاد یک «دور باطل» شد، بدین معنا که رهبر اعضای شورای نگهبان را برمی‌گزیند، شورای نگهبان نامزدهای مجلس خبرگان را گزینش می‌کند و خبرگان نیز رهبر را انتخاب می‌نمایند. بنابراین، لغو نظارت استصوابی یک پیش‌نیاز بس مهم محسوب می‌شود. جالب آن که برخی از فقهای شورای نگهبان خود نامزد نمایندگی مجلس خبرگان شده‌اند که گرچه مجتهدند، خود تصویب‌کننده سایر شرایط از جمله شایستگی اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی خویش با مسائل روز می‌باشند! حداقل نزاکت اسلامی و انصاف حکم می‌کرد که نگهبانان از نامزد شدن

برای نمایندگی مجلس خبرگان خودداری می‌کردند.

ما امضاکنندگان زیر بر این باوریم که بدون تحقق و تأمین شرایط یاد شده در بالا، انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری با اقبال گسترده مردم روبه‌رو نخواهد شد و در نتیجه، تقابلهای سیاسی خصمانه و خشونت‌بار تشدید و فرایند آرام و رو به رشد توسعه سیاسی دچار اختلال خواهد گردید. بنابراین، به هموطنان عزیز توصیه می‌کنیم که حرکت در راستای کسب حقوق و آزادیهای اساسی را همچنان با قوت و پایداری ادامه دهند و از مسئولان نیز اکیداً می‌خواهیم که با تمکین به قانون و احترام به خواسته‌های بر حق مردم زمینه مشارکت واقعی ملت را در تعیین سرنوشت خویش فراهم کنند.

تهران- شهریور ۱۳۷۷

دکتر مصطفی اخلاقی- حسن اربابی- مرتضی اشفاق- اعظم اکبرزاده- مهندس ابوالفضل بازرگان- مهندس عبدالعلی بازرگان- محمد بسته‌نگار- دکتر حسین بنی‌اسدی- دکتر فرهاد بهبهانی- محمود بیاکی- صفا بیطرف- عباس پورآظه‌ری- عزیز پورحمید- دکتر حبیب‌الله پیمان- دکتر غلامعباس توسلی- مهندس محمد توسلی- مهندس مجید تولائی- دکتر علی‌اکبر جلالی- سیدمحمدحسین جعفری- ابوالفضل حکیمی- عبدالکریم حکیمی- ابراهیم خدادادی- اکبر خرازی- محمد خلیل‌نیا- رسول دادمهر- دکتر حبیب‌الله داوران- حسین درویش- دکتر محمود دل‌آسایی- دکتر عباس دل‌آسایی- مصیب دوانی- تقی رحمانی- صادق رسولی- احد رضایی- اصغر رضایی- دکتر حسین رفیعی- علی زرینه‌باف- نسرین ستوده- حسین زادعیسی- دکتر یدالله سبحانی- مهندس عزت‌الله سبحانی- بیوک سعیدی- نبی‌سلطانی- دکتر محمد سیار- حسین شاه حسینی- مهندس علیرضا شفیعیان- حسن علی شهبازی- هدی صابر- منوچهر صابونی- دکتر محمد صالحی- دکتر صالح صالحی- مهندس هاشم صباغیان- سیداحمد صدر حاج‌سیدجوادی- مهدی صراف- فریدون ضرغامی- علی‌اشرف ضرغامی- دکتر حسام‌الدین طالقانی- مهندس اکبر طاهری- نورالدین طراز منفرد- دکتر حسن عابدی- مهندس احمد عبادی- محمدجعفر عمادی- رضا علیجانی- سعید علی‌مددی- محمود عمرانی- دکتر سیدعلی‌اصغر غروی- علی غفرانی- دکتر غفار فرزندی- دکتر حسن فرید اعلم- دکتر نظام‌الدین قهاری- حجت قیاسی- دکتر رحمان کارگشا- مرتضی کاظمیان- عبدالکریم کنی- یعقوب کوثری- دکتر مریم کیمنش- مسعود مانیان- دکتر محمدتقی متقی- مهندس محسن محقی- محمد محمدی اردهالی- حسین مدنی- سعید مدنی- دکتر ماشاءالله مدیحی- مینو مرتاضی- مصطفی مسکین- مهندس رضا مسموعی- عباس مصلحی- مهندس علی‌اکبر معین‌فر- کاظم ملکی- دکتر محمد ملکی- هرمز ممیزی- خسرو منصوریان- هادی مؤتمنی- علی مؤمن هروی- محمود مؤمن هروی- دکتر احمد مه‌راد- مهندس امیر میرخانی- ابوالفضل میرشمس شهنشاهی- مهندس اسماعیل ناطقی- مهدی ناطقی- مهندس محمود نعیم‌پور- محمود نکوروح- عفت‌السادات نوابی‌نژاد- فخرالسادات نوربخش- دکتر حسن وهاب آقایی- دکتر هادی هادی‌زاده- حسن هادی‌فر- حسین هاشمی- نورالدین هاشمی- مهندس علیرضا هندی- اردشیر هوشی- رحیم یآوری- دکتر ابراهیم یزدی- ثریا یوسفی- حسن یوسفی اشکوری.